

سیاست جنایی در مبارزه با قاچاق کالا

(اهداف جرم انگاری قوانین مبارزه با قاچاق کالا)



استخراج از پایان نامه دوره کارشناسی

ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

تحت عنوان:

سیاست جنایی تقنینی ایران در مبارزه با

قاچاق کالا^{۱۱}

تنظیم و تلخیص: اداره کل پژوهش ستاد

مرکزی مبارزه با کالا و ارز

مقدمه

قاچاق کالا، معلول عوامل فراوانی است و مقابله با این پدیده نیز نیازمند توجه دقیق و علمی به این علت‌هاست. تجربیات نشان داده اند که در مبارزه با قاچاق کالا، برخورد صرف کیفری نمی‌تواند به تنهایی موثر افتد و در پیش گرفتن راهکارهای فرهنگی و توجه به قوانین و مقررات پیش‌گیرانه به جای سرکوب، مبارزه و برخورد و رویارویی، در کاهش قاچاق، موثرتر است.

آن چه در یک سیاست جنایی تقنینی باید مورد توجه قرار گیرد این است که قوانین مختلف: منسجم، روشن و مشخص باشند و مانع از آن گردند که قضات، متون قانونی را به طور متفاوت تفسیر نمایند و یا پاره ای از متون قانونی، با زمان دارای اهمیت شوند و از اجرای بعضی از آن‌ها اجتناب شود. عدم کفایت و نارسایی قوانین، موجب افزایش بدعت گذاری دادگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت بدنه ی اجتماع می‌گردد که این معضل در حال حاضر به علت وفور و پراکندگی قوانین و مقررات مربوط به قاچاق کالا، به وضوح دیده می‌شود.

این نوشتار می‌کوشد با بررسی سیاست جنایی قانون‌گذار در مبارزه با قاچاق کالا روشن سازد که قانون‌گذار با در نظر گرفتن چه مبانی و اهدافی نسبت به تدوین قوانین و مقررات لازم در این زمینه اقدام کرده است؟

مفهوم سیاست جنایی و انواع آن

سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی را شامل می‌گردد که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های خود به پدیده‌ی مجرمانه (جرم و انحراف) را سازمان می‌بخشد امروزه سیاست جنایی برخلاف دیدگاه دانش‌مندان گذشته که آن را شاخه ای از جرم‌شناسی یا حقوق جزای کاربردی به شمار می‌آوردند، یک رشته ی مطالعاتی مستقل در علوم جنایی محسوب می‌شود که البته از یافته‌های سایر علوم نیز بهره می‌گیرد و در واقع یک رشته ی مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که با توجه به آن چه گفته شد، دارای چهار رکن اساسی شامل: جرم، انحراف، دولت و در نهایت جامعه‌ی مدنی، می‌باشد.

یک سیاست جنایی مطلوب، برخلاف حقوق جزا، تنها متکی بر سیاست کیفری نیست؛ بلکه اصلاح مشکلات اجتماعی؛ زدودن عوامل ایجاد بزه‌کاری؛ رفع تبعیضات قانونی و بی‌عدالتی؛ و درمان و بازسازی بزه‌کاران را نیز از ویژگی‌های خود می‌داند. سیاست جنایی مطلوب، یک مفهوم عام و کلی است که علوم بسیاری را در راستای رسیدن به اهداف خود به خدمت می‌گیرد و از طرف دیگر با سازمان‌های فراوانی در ارتباط است که از طریق این سازمان‌ها تدابیر خود را به مرحله‌ی اجرا در می‌آورد؛ از این رو سیاست جنایی از زوایای مختلف تقسیم بندی می‌شود که یکی از آن‌ها، تقسیم به سه قسمت: تقنینی، قضایی و مشارکتی است.

سیاست جنایی تقنینی، مجموعه ای از تدابیر مبارزه با بزه‌کاری را دربر می‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای مطمئنی چون ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی ضمن آن که صلاحیت قانونی دارد، معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، خود بر دو گونه است. گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تاکید می‌کند.

در سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزه‌کار یا منحرف، هدف، انسان‌گرایی است و لذا با این دیدگاه، قانون، زمانی در حقیقت یک قانون مبتنی بر سیاست جنایی است که: «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، یا کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزه‌کاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد. در این حالت ممکن است، مجازات و به طور کلی ضمانت اجرا حتمی و قطعی نبوده و با جرم ارتكابی نیز تناسبی نداشته باشد؛ چرا که آن چه مهم است شخصیت مجرم یا منحرف است نه عمل ارتكابی او.

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌های دادگستری منعکس است. پس از آن که قانون‌گذار، سیاست جنایی خود را در قالب قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام

مزیت‌های بالقوه، بالفعل می‌شود و حتی مزیت‌های نسبی جدیدی در اقتصاد ایجاد می‌گردد. از این رو تجارت قانونمند در احیای اقتصاد ملی؛ دستیابی به رشد و توسعه‌ی پایدار؛ تحرک منابع و توانمندی‌های اقتصادی؛ هم‌چنین ایجاد آینده‌ای مطمئن برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، نقش حیاتی دارد. اما عوامل قاچاق کالا می‌کوشند با دورزدن موانع قانونی، سودهای سرشاری را به دست آورند که این امر علاوه بر این که سیاست‌های اقتصادی دولت را سست می‌کند، ریسک سرمایه‌گذاری و تجارت قانونی را بالا می‌برد؛ در نتیجه افرادی که در راستای قانون حرکت می‌کنند، متضرر می‌گردند.

یکی دیگر از اهداف دولت در مبارزه با قاچاق، تأمین درآمدهای عمومی دولت است. هر سال اعتبارات جاری و عمرانی کشور از محل درآمدهای عمومی واریز شده به خزانه‌ی دولت تخصیص می‌یابد، هرگونه اختلال یا کاهش در وصول درآمدها، موجب کسری بودجه و اختلال در اجرای برنامه‌های عمرانی می‌شود.

یکی از زبان‌های مستقیم واردات قاچاق، همانا محروم‌شدن خزانه‌ی عمومی از حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات‌های غیرمستقیمی است که مطابق قانون باید به صندوق دولت واریز شود. ورود غیرقانونی کالا موجب می‌شود که دولت از دریافت سود بازرگانی، حقوق گمرکی و مالیات محروم شود.

قاچاق کالا از طریق ایجاد رکود در برخی از صنایع کشور، به طور غیرمستقیم نیز از درآمدهای دولت می‌کاهد. از طرف دیگر، هر سال بخشی از درآمدهای دولت صرف پرداخت یارانه به صنایع مختلف به منظور حمایت از صنعت یا مصرف‌کننده می‌شود. قاچاق صادراتی این کالاها موجب می‌شود که بخشی از این یارانه‌ها به خارج از کشور انتقال یابد.

مهم‌ترین قوانینی که در این خصوص از آن‌ها می‌توان نام برد عبارت‌اند از: ۱- ماده‌ی ۲۹ قانون امور گمرکی که دارای ۱۱ بند می‌باشد و اعمال «مانع از تحقق حقوق و عوارض گمرکی» در بر می‌گیرد.

و واردات کشور معین می‌شود. صادرات و واردات غیرقانونی (قاچاق)، اهداف یاد شده را غیرقابل تحقق می‌نماید؛ در حالی که تجارت قانونمند، امکان اعمال سیاست‌های بازرگانی در پیش‌گرفته شده به منظور بهبود ساختار و موقعیت اقتصاد ملی را به وجود می‌آورد و از هدرروی منابع ارزی که از طریق قاچاق کالا از اقتصاد ملی خارج و صرف واردات کالاهایی می‌شود که شاید نیاز واقعی اقتصاد به آن‌ها در حد صفر باشد، جلوگیری می‌کند. حرکت در چارچوب قانون، احتمال ارزیابی و پیش‌بینی دقیق‌تر اوضاع اقتصادی و سرمایه‌گذاری را فراهم می‌آورد تا با ارزش‌یابی صحیح بازار داخلی و خارجی، در طرح‌هایی سرمایه‌گذاری صورت گیرد که بازده



اقتصادی و نهایی بیش‌تری داشته باشد و علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی در اقتصاد، توان رقابتی واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی را ارتقا دهد. تجارت در چارچوب قانون، بستر مناسبی برای فعالیت طراحان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی است، تا در چارچوب نیازهای توسعه‌ی اقتصادی، راه‌های تجارت را برای برآورده‌ساختن نیازهای سرمایه‌ای و فناوری از منابع خارجی باز کنند. در فضایی که امکان فعالیت پرتنم برای عاملان و کارآفرینان اقتصادی فراهم است، همواره بهره‌گیری بهینه از توانمندی‌های اقتصادی و فرصت‌های تجاری، هم‌چنین سرمایه‌گذاری میسر می‌گردد و

کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت‌بخشیدن به آن‌ها. به بیان دیگر «سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می‌گیرد.»

سیاست جنایی مشارکتی به

معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه‌ی مدنی در سیاست جنایی، است. به عبارتی دیگر: در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه‌ی قضائیه به منظور اعتباربخشیدن بیش‌تر به طرح سیاست جنایی است، که به‌وسیله‌ی قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد.

اهداف جرم‌انگاری

قانون‌گذار در تبیین قوانین و مقررات مربوط به قاچاق کالا، اهدافی را در نظر گرفته و این اهداف در اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی متبلور گردیده است. مهم‌ترین اهداف قانون‌گذار از جرم‌انگاری فعل قاچاق، عبارت‌اند از:

۱- حمایت از تجارت و درآمد دولت

قاچاق کالا یا تجارت زیرزمینی به این دلیل مذموم شمرده می‌شود که سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی‌ای را که دولت‌ها برای احیای موقعیت اقتصادی کشورشان اعمال می‌نمایند بی‌اثر یا کم‌اثر می‌کند. با این نگرش، قاچاق کالا امکان دارد تأثیر مخربی در جریان اقتصاد ملی برجا گذارد و مسیر اصلاحی آن را منحرف سازد.

قاچاق کالا، توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را برهم می‌زند؛ از این‌رو دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی همچون: سپرده‌های ارزی، درآمدهای ارزی سالانه، نیازهای وارداتی کشور و... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی‌های خارجی، بسته‌هایی از سیاست‌های تجاری را در پیش می‌گیرد که بر مبنای آن، حجم و ارزش صادرات

۲- قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۱۳۷۲ که در مادهی ۱ این قانون چنین مقرر گردیده است: مقررات صادرات و واردات کالا و انجام خدمات مربوط، نسبت به کلیه صادرکنندگان، واردکنندگان و نیز آن‌هایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر نام است، به موجب این قانون تعیین، و کلیه قوانین مغایر با آن، لغو می‌گردد.

مادهی ۴ قانون فوق نیز مقرر نموده که: « وزارت بازرگانی موظف است تغییرات کلی آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون و جداول ضمیمه‌ی مقررات صادرات و واردات را قبل از پایان هر سال، برای سال بعد، و تغییرات موردی آن‌ها را طی سال، پس از نظر خواهی از دستگاه‌های مربوط و اتاق، ضمن منظور نمودن حقوق به دست‌آمده تهیه، و پس از تصویب هیأت وزیران، جهت اطلاع عموم، منتشر نماید.

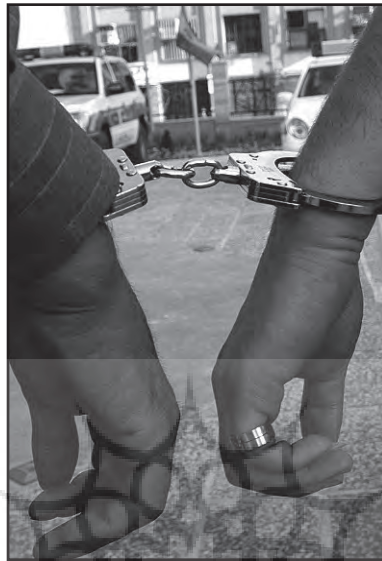
۳- آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۳
۴- قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، مصوب ۱۳۸۴ و قوانین مختلف دیگر از جمله قوانین بودجه‌ی سالانه که به منظور پرهیز درازگویی از بیان آن خودداری می‌گردد.

۲- حمایت از تولید داخلی

پدیده‌ی قاچاق کالا مشکلات اقتصادی را تشدید می‌کند؛ زیرا قاچاق، پدیده‌ی ای است مخرب که صدمه‌ی فراوانی بر پیکره‌ی اقتصاد کشور وارد می‌کند. قاچاق کالا به کاهش تولیدات صنعتی منجر می‌شود و فرصت‌های سرمایه‌گذاری را برای ایجاد اشتغال مولد و موثر در رشد تولید ناخالص داخلی از بین می‌برد. رواج قاچاق کالا و سرمایه‌گذاری در این بخش، به دلیل سودآوری بسیار زیاد آن، موجب می‌گردد که سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و اشتغال‌زا کاهش یابد و تولیدات ملی و داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند آسیب ببینند و در برخی مواقع نیز به زیان دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت آن واحدهای تولیدی منجر گردد.

قاچاق کالا موجب کاهش تولیدات داخلی و در نتیجه، افزایش میزان بی

کاری می‌شود؛ به طوری که بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار، هر یک میلیارد دلار قاچاق کالا یکصد هزار فرصت شغلی را در کشور مقصد از بین می‌برد. قاچاق کالا، انگیزه‌ی سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه سرمایه به جای این‌که در امور



مولد اقتصادی به کار افتد و باعث تولید و اشتغال شود، به سوی قاچاق، منحرف می‌شود و به این ترتیب بخشی از منابع در دسترس جامعه، از چرخه‌ی اقتصاد مولد، خارج می‌شود.

پدیده‌ی قاچاق، آثار منفی‌ای بر سیاست‌های اجرایی دولت نیز دارد؛ چرا که دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشور، غالباً سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوپا را در پیش می‌گیرد. کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، به علت پرداخت نکردن حقوق گمرکی و سود بازرگانی، قیمتی پایین‌تر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازارهای داخلی دشوار و مشکل می‌شود و موجب رکود فعالیت‌های صنعتی می‌گردد. بنابراین قاچاق کالا، سیاست‌های قانون‌گذار را مختل ساخته و به عنوان تهدیدی برای تولیدات داخلی محسوب می‌شود که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی را ندارند.

یکی از راهکارهای حمایت از تولید داخلی که از مهم‌ترین ابزارهای موجود در دست دولت‌ها می‌باشد، «اعمال

تعرفه‌های موثر» است. اما کالاهای قاچاق با پرداخت نکردن تعرفه در ورود و خروج، این چتر حمایتی از صنایع داخلی و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برند. در واقع قاچاق کالا تأثیر تعرفه‌های موثر را از بین می‌برد و توان رقابتی محصولات داخلی با محصولات مشابه خارجی را کاهش می‌دهد. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که تعیین حقوق ورودی مناسب برای کالاهای وارداتی نقش موثری در کاهش قاچاق دارد و از طرفی دیگر با جدی‌شدن بحث الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، حذف و کاهش حقوق ورودی تعلق گرفته به کالاهای، به عنوان یکی از مولفه‌های نه‌گانه‌ی ورود به این سازمان تلقی شده است که به نظر می‌رسد نهایتاً ابزار اصلاح تولید داخلی، اعمال تعرفه نیست و سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای حرکت به سوی بالا بردن فناوری تولید؛ افزایش کیفیت محصولات؛ افزایش بهره‌وری و... باشد. در حال حاضر به علت عدم ثبات در تعیین حقوق ورودی کالاهای نظیر گوشی تلفن همراه، شکر، لوازم خانگی، پوشاک، پارچه و...، از یک سوء قاچاق این نوع کالاهای، به خصوص گوشی تلفن همراه به شدت بالا رفته به گونه‌ای که واردات قانونی این کالا در سال ۱۳۸۶ کم‌تر از ۵ درصد تقاضای بازار بوده و بیش از ۹۵ درصد آن به ترتیب غیرمجاز وارد کشور شده، و از طرفی دیگر به صنایع کشور لطمات جبران‌ناپذیری وارد گردیده است. بنابراین تعیین تعرفه‌ی مناسب که یکی از ابزارهای حمایت از تولید می‌باشد، نقش به‌سزایی در کاهش یا افزایش قاچاق دارد.

یکی دیگر از اقدامات صورت‌گرفته توسط قانون‌گذار در حمایت از تولید، ممنوعیت ورود برخی از کالاهای ممنوعیت ورود برخی از کالاهای ممنوعیت ورود برخی از کالاهای ممنوعیت ضرور مصوب ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی اشاره نمود:

« از تاریخ تصویب این قانون، ورود نوشابه‌های خارجی (ماءالشعیر، انواع کولا، نوشابه‌های گازدار، آبمیوه)، اسباب بازی، سیگارهای وارداتی، شکلات، انواع آدامس و سایر شیرینی‌جات ممنوع می‌باشد و وارد کنندگان مشمول قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و

- صفحه‌ی گرامافون و نوار پرشده، فیلم و کتاب که به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مخالف نظم عمومی یا شئون ملی یا عفت عمومی و یا مذهب رسمی کشور باشد.

- مجله، روزنامه، صور، علامات و هر نوع نوشته که به تشخیص وزارت اطلاعات مخالف نظم عمومی یا شئون ملی یا عفت عمومی و یا مذهب رسمی کشور باشد.

- کالایی که روی خود آن‌ها یا روی لفاف آن‌ها و یا در بارنامه و اسناد مربوط، عبارت یا علامتی مخالف نظم عمومی یا شئون ملی یا عفت عمومی و یا مذهب رسمی کشور وجود داشته باشد.

ماده‌ی ۱ قانون نحوه‌ی رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، مقرر می‌دارد: «کسانی که آگاهانه لباس‌ها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه‌ی گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملاء عام و انظار عمومی از آن‌ها استفاده نمایند، مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیای مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود.»

ملی و پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه، در مبادی قانونی ورود و خروج کالاها، نظارت دقیقی بر ورود کالاها و محصولات فرهنگی اعمال می‌شود، همین امر موجب گردیده این قبیل کالاها به هر طریق ممکن از مبادی غیر رسمی به کشور وارد شوند. سیاست گذار تقنینی با توجه به اهمیتی که در خصوص حفظ ارزش‌های اخلاقی و اسلامی داشته است، ورود و خروج کالاهایی را که با مبانی و ارزش‌های اسلامی و ملی ایران در تعارض می‌باشد ممنوع و مجازات‌های سنگین تری برای این قبیل کالاها در نظر گرفته است. در این خصوص می‌توان به ماده‌ی ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص قاچاق میراث فرهنگی، که یکی از پیامدهای شوم فرهنگی قاچاق کالا است اشاره نمود: «هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد، قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد.» هم‌چنین با توجه به بندهای ۷، ۸، ۹، ۱۰ ماده‌ی ۴۰ قانون امور گمرکی، کالاهای ممنوع الورد عبارت‌اند از:

اصلاحات بعدی آن می‌شوند...» هم‌چنین از دیگر راهکارهای قانون‌گذار در حمایت از تولیدات داخلی، معافیت‌های گمرکی است. بر اساس تبصره‌ی ماده‌ی ۳۹ قانون امور گمرکی، دولت می‌تواند برای حمایت از صنایع داخلی، در حقوق گمرکی برخی اقلام وارداتی تخفیف ایجاد کرده و یا به کلی از دریافت حقوق گمرکی صرف نظر نماید، و بر اساس ماده‌ی ۳۸ همین قانون، هرگاه کالای مورد معافیت بدون پرداخت حقوق معین شده به دیگری انتقال داده شود، آن کالا قاچاق محسوب می‌شود و انتقال دهنده و انتقال‌گیرنده باید جریمه تعلق گرفته را متضامناً پرداخت کنند.

در خصوص حمایت از تولیدات داخلی می‌توان به مصوبات دولت در خصوص ممنوعیت استفاده از کالاهای خارجی توسط دستگاه‌های دولتی و تصویب نامه‌ی دولت در مورد پیش‌بینی تدابیر و اقدام‌های حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، اشاره نمود.

۳- پاسداری از اصول اخلاقی و ارزشی

از مهم‌ترین معضلات قاچاق، ورود کالاهای غیرمجاز و مغایر با اصول و ارزش‌های حاکم بر جامعه است. در اغلب موارد آن‌چه در قاچاق و نوع کالاهای قاچاق شده مهم است سودآوری آن است و اصولاً قاچاقچی توجهی به دیگر معیارها از جمله هم‌خوانی کالای قاچاق با مبانی ارزشی و اعتقادی کشور ندارد؛ به همین دلیل است که کالاهایی مغایر با ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات مردم به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود و در بین افشار جامعه به خصوص نسل جوان و فعال، توزیع می‌گردد.

در این میان برخی محصولات به صورتی سازمان‌دهی شده و جهت‌دار با هدف تهاجم به ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و نه صرفاً به دلیل سودآوری به داخل کشور، قاچاق می‌شوند. اصولاً به دلیل نبود نظارت بر کالاهای قاچاق، یکی از بهترین راهکارهای نفوذ فرهنگی به داخل کشور قاچاق کالا است. از آن‌جا که بر اساس سیاست‌های قانون‌گذار، برای مقابله‌ی جدی با ازمهم گسیختگی فرهنگی؛ حفظ وحدت؛



برای مصرف کنندگان، به نظر می‌رسد این مجازات‌ها به اندازه‌ی کافی بازدارنده نیستند و جا دارد با این گونه افراد با شدت عمل بیش‌تری برخورد گردد.

حال به برخی از اقدامات قانون‌گذار در این خصوص اشاره می‌نماییم: تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی اصلاحی ۱۳۷۹ چنین مقرر می‌دارد: «واردات و صادرات و خرید و فروش دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات مقرر در ماده‌ی ۳ محکوم و داروهای مکشوفه به نفع دولت ضبط می‌شود» و در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار خواهد گرفت.»

هم‌چنین ماده‌ی ۱۴ و تبصره‌های آن، ورود هر نوع فرآورده‌ی بیولوژیک، هر نوع مواد و ملزومات مصرفی و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و یا مواد اولیه و بسته‌بندی آن‌ها را منوط به اجازه‌ی قبلی و موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نموده و ترخیص آن از گمرک با کسب اجازه از وزارت‌خانه‌ی یاد شده، امکان پذیر است.

قانون یکسان‌سازی تشریفات ورود و خروج کالا و خدمات از کشور مصوب ۱۳۸۲، تمامی واردکنندگان و صادرکنندگان را موظف نموده تا کالاهای وارداتی و صادراتی خود را با تسلیم اظهارنامه‌ی گمرکی و تشریفات لازم از اسکله‌ها، فرودگاه‌ها و راه‌های مجاز مطابق با دستورالعمل‌های گمرک ایران وارد یا صادر نمایند. در غیر این صورت مشمول مقررات قاچاق خواهد بود. این قانون مانع از ورود کالاهای غیر استاندارد و غیر بهداشتی به کشور خواهد شد. تبصره‌ی ۱ ماده ۸ قانون سامان‌دهی مبادلات مرزی مصوب ۱۳۸۴، ورود کالاهای مشمول این قانون را منوط به رعایت قوانین و مقررات بهداشتی و قرنطینه‌ای نموده است.

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مصوبه‌ی جلسه‌ی شصت و نهم مورخ ۱۳۸۵/۸/۱ سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی را موظف نموده در مورد مواد غذایی، دارویی، آرایشی و بهداشتی و مواردی که قانون، تأیید عرضه‌ی آن‌ها را منحصر از تکالیف وزارت بهداشت قرار داده، استعمال

قاچاق را دارند، از این‌رو به نظر می‌رسد رسیدگی به جرایم قاچاق ماهواره نیز در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است و بر اساس قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی، باید حکم صادر گردد؛ ولی در این رابطه گاهی محاکم بر اساس قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره عمل می‌نمایند که به نظر می‌رسد با توجه به آرای متفاوت در خصوص یک موضوع واحد، مسئله باید در هیئت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و در این خصوص رای، وحدت رویه صادر گردد.



۴- صیانت از بهداشت جامعه

تأمین سلامت و بهداشت مردم از اصولی‌ترین موارد انسانی است که تمام دولت‌ها و جوامع به آن توجه ویژه‌ای دارند. یکی از بزرگ‌ترین تبعات منفی قاچاق کالا در کشور، اثرات منفی بهداشتی آن در جامعه است. کالاهای تقلبی و غیر استاندارد که با قیمتی اندک در خارج کشور عرضه می‌شوند، مطلوبیت زیادی برای واردات قاچاق دارند. مواد خوراکی، دارو و لوازم آرایشی-بهداشتی از جمله این گروه از کالاها به حساب می‌آیند.

قانون‌گذار در سیاست جنایی خود اقداماتی را در راستای حفظ و تأمین سلامت و بهداشت مردم انجام داده است که متأسفانه در قسمت مجازات‌های مصوب با توجه به لطامت و آثار سوء ورود کالاهای تقلبی و غیر بهداشتی

یکی از کالاهایی که به جهت حرمت شرعی آن، پس از انقلاب اسلامی ورود آن به کشور ممنوع اعلام گردید مشروبات الکلی است. در این رابطه اصلاحات ماده‌ی ۷۰۳ قانون امور گمرکی اذعان می‌دارد: «وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و وارد کننده صرف نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده محکوم می‌شود. رسیدگی به این جرم

در صلاحیت محاکم عمومی است.» هم‌چنین در تبصره‌ی آن چنین مقرر گردیده: «در خصوص مواد ۷۰۲ و ۷۰۳، هر گاه مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از بیست لیتر باشد، وسایلی که برای حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد چنان‌چه با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد...»

از دیگر کالاهای ممنوع‌الورود، تجهیزات دریافت از ماهواره هستند. وارد کردن کالای ممنوع‌الورود از جمله تجهیزات دریافت از ماهواره به داخل کشور یا نقل و انتقال آن در داخل کشور، موضوع هر قانون خاصی هم که باشد، مشمول عنوان عام قاچاق است و با توجه به این‌که براساس بند ۵ ماده‌ی ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵، دادگاه‌های انقلاب اسلامی صلاحیت ذاتی رسیدگی به کلیه‌ی پرونده‌های

سیاست جنایی مجموعه روش‌هایی را شامل می گردد که هیئت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های خود به پدیده‌ی مجرمانه (جرم و انحراف) را سازمان می‌بخشد

صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۵/۱۵، صید ماهی خاویاری (تاس ماهیان)؛ تهیه‌ی خاویار؛ هم‌چنین عرضه، فروش، حمل، نگهداری و صدور آن‌ها بدون اجازه‌ی شرکت سهامی شیلات ایران ممنوع اعلام و تصریح گردیده مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق، تعقیب و مجازات می‌شوند. در حال حاضر با تصویب قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی و با توجه به بند «د» ماده‌ی ۲۲ این قانون، مجازات خاصی برای مرتکبین در نظر گرفته شده و عنوان قاچاق نیز حذف گردیده است. در این بند چنین آمده است: «صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری، واردات و صادرات انواع ماهی‌های خاویاری و خاویار، بدون اجازه‌ی شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس یک تا سه ماه محکوم می‌شوند...»

بر اساس رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۳۲ مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۴ دیوان عالی کشور، مرجع صالح در رسیدگی به بزه صید ماهیان خاویاری، دادگاه عمومی می‌باشد.

ب - دخانیات

دخانیات یکی از اولین کالاهایی است که به موجب قوانینی از جمله قانون انحصار دخانیات: تولید، فروش، ورود و صدور آن در انحصار دولت قرار گرفت؛ در نتیجه تخلف از حقوق انحصاری دولت موجب ارتکاب جرایمی از جمله قاچاق کالای انحصاری می‌شود.

قاچاق کالاهای دخانی در فصل چهارم باب اول قانون مجازات مرتکبین قاچاق پیش‌بینی شده است. به موجب

و سایر مهمات جنگی، دینامیت و مواد محترقه و منفجره مگر با موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بند ۴ - مواد مخدر از هر قبیل مگر با موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

بند ۵ - دستگاه مخصوص عکاسی و فیلم برداری هوایی مگر با موافقت وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بند ۶ - دستگاه‌های فرستنده از هر نوع و قطعات متعلق به آن‌ها مگر با موافقت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

با توجه به اهمیت سلاح و مواد مخدر در امنیت عمومی کشور، قانون‌گذار اقدام به تصویب قوانین مجزا در این رابطه نموده است که به آن اشاره می‌گردد:

قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۶ و اصلاحات بعدی آن که در ماده ۱ آن چنین مقرر گردیده است: «وارد یا خارج کردن اسلحه و مهمات جنگی و مواد منفجره و محترقه و فشنگ و تفنگ شکاری ممنوع است مگر با اجازه‌ی دولت...» و ماده ۲ نیز مقرر نموده است: «خرید و فروش یا نگهداری یا حمل و نقل و یا مخفی کردن یا ساختن هر یک از اشیای مذکور در ماده‌ی یک به طور غیر مجاز ممنوع است...»

۶- حمایت از انحصار دولت

کالاهایی که خرید و فروش و تملک آن به موجب قوانین مربوط، منحصر به دولت باشد، اگر بدون داشتن نمایندگی قانونی از طرف دولت وارد یا صادر شود، قاچاق کالای انحصاری محسوب می‌شود. در این مورد به عنوان نمونه به قوانین انحصار شیلات و دخانیات اشاره می‌گردد:

الف- شیلات :

به موجب تبصره‌ی ۵ ماده واحده‌ی قانون مربوط به اساس‌نامه‌ی شرکت شیلات و صید ماهیان غضروفی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۱ «صید ماهی غضروفی (استورژن) و خاویار در انحصار دولت می‌باشد. فروش و صدور آن بدون اجازه‌ی دولت قاچاق محسوب [می‌شود] و مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق قابل تعقیب خواهند بود.»

به موجب ماده‌ی ۲ لایحه‌ی قانونی

لازم از مرجع مربوط به عمل آورند و در صورت غیر بهداشتی و غیر استاندارد بودن این کالاها نسبت به منهدم نمودن آن‌ها اقدام نماید.

۵- تأمین امنیت عمومی

« سرمایه‌ی انسانی » و « سرمایه‌ی اجتماعی » پیش‌شرط رشد جوامع و خودشکوفایی آن‌ها بوده و این دو، نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. این نیاز تا آن‌جا ارزشمند و اساسی شمرده می‌شود که برخی بر این باورند که احساس امنیت بر وجود امنیت و امنیت بر معیشت مقدم است. بی‌تردید آن‌گاه که روح و جسم مردمان در آرامش و آسودگی خاطر باشد، تمام قوای ذهنی و جسمی آن‌ها معطوف به خودشکوفایی مادی و معنوی می‌گردد. به همین منظور است که امام علی (ع) می‌فرماید: « نعمتی گوارتر از امنیت نیست و در فرازی دیگر رفاه و خوشی و آسایش را نیز در گرو امنیت دانسته و می‌فرماید: « رفاهیت زندگی در امنیت است. »

بنابراین به میزانی که امنیت در حوزه‌ی فردی و اجتماعی قوام یافته و استقرار می‌یابد، به همان میزان شادابی، سرزندگی، پویایی و شکوفایی در انسان‌ها و اجتماع آنان تبلور یافته و احساس خوشایند امنیت، جلوه‌گر می‌شود.

با نگاهی بر قوانین و مقررات مربوط به قاچاق کالا در خواهیم یافت که یکی از اهداف قانون‌گذار در مبارزه با قاچاق کالا، حفظ امنیت عمومی است. ممنوعیت ورود اشیایی از قبیل مواد منفجره، سلاح، مواد مخدر، دستگاه‌های مخصوص عکاسی و فیلم برداری هوایی و... همه در راستای حفظ امنیت عمومی کشور می‌باشد و گاه ما شاهد آن هستیم که قانون‌گذار برای برخی از موارد، قانون خاص پیش‌بینی کرده و نسبت به اعمال مجازات‌های شدید اقدام نموده است و برخی نیز در قوانین عام قاچاق، به آن اشاره گردیده است.

با توجه به این‌که این قبیل کالاها ممنوع‌الورود می‌باشند، در بندهای مختلف ماده‌ی ۴۰ قانون امور گمرکی به آن اشاره گردیده است :

بند ۳ - اسلحه‌ی جنگی و شکاری از هر قبیل، باروت، چاشنی، فشنگ، گلوله

ماده ۲۶ این قانون، «خرید و فروش و نگهداری اجناس دخانیه و ادوات و اشیایی که به موجب قانون انحصار دخانیات مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ و قانون اصلاح مواد ۳ و ۴ آن مصوب ۱۹ آبان ماه ۱۳۱۱، خرید و فروش و تملک آن‌ها انحصار به دولت یافته قاچاق محسوب، و مرتکب به مجازات مقرر برای مرتکبین قاچاق اموال موضوع عایدات دولت، محکوم می‌گردد.»

مامور وصول درآمدهای دولت در قبال دخانیات و نظارت بر اعمال حقوق انحصاری دولت در این زمینه، شرکت دخانیات می‌باشد که طرح شکایت در مراجع کیفری و محاکم را بر عهده دارد. پس از اصلاحاتی که در تاریخ‌های ۱۳۵۳/۱۲/۲۹ و ۱۳۷۳/۱۱/۹ در ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق به عمل آمد، نوعی قاچاق تحت عنوان قاچاق کالای انحصاری پیش بینی گردید که مجازات‌های مقرر برای این نوع قاچاق، هم‌ردیف مجازات‌های کالاهای ممنوع الورد و ممنوع‌الصدور قرار گرفت و مرتکبین قاچاق کالاهای دخانی به عنوان مرتکب قاچاق کالای انحصاری براساس این قانون مجازات می‌شوند. پس از تصویب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در ۱۳۷۴/۲/۱۲، تعیین مجازات مرتکبین قاچاق کالای انحصاری همانند دیگر انواع قاچاق، براساس بندهای الف و ب ماده ۲ این قانون انجام می‌گیرد و برای تعیین مجازات حبس نیز به ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق اصلاحی ۷۳/۱۱/۹ استناد می‌گردد. در عین حال برای تعیین مصداق جرم قاچاق کالاهای دخانی، هم‌چنان ماده ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲، ملاک عمل می‌باشد. با توجه به این ماده، مصداق عنصر مادی قاچاق کالاهای دخانی عبارت‌اند از: خرید و فروش و نگهداری کالاهای دخانی و ادوات و اشیایی که به موجب قانون در انحصار دولت قرار گرفته‌اند که هرکدام از این مواد به تنهایی می‌توانند موجب تحقق عنصر مادی این جرم گردند.

قانون‌گذار در ماده ۲۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، اختلاط در توتون سیگار را نیز در حکم قاچاق قرار داده و چون دیگر مصداق قاچاق دخانیات، آن را قابل مجازات می‌داند.

در این ماده چنین مقرر گردیده است: «اختلاط چوب قلاتی کوبیده، تنباکوی کوبیده و ساییده یا توتون چپق ساییده و توتون نیم‌کوب یا اجناس غیر دخانیه در توتون سیگار بریده یا در سیگار، ممنوع، و در حکم قاچاق است و متخلفین برطبق مقررات اول این قانون تعقیب خواهند شد.»

مسئله‌ای که قابل طرح است این است که سیگارهای داخلی و خارجی هر دو در انحصار دولت می‌باشند و در مورد سیگارهای خارجی: واردات، خرید و فروش، نگهداری و حمل آن‌ها بدون اجازه‌ی دولت، قاچاق می‌باشد و این کالاها در هر محلی کشف شوند، اعم از این که فرد مرتکب، وارد کننده باشد یا خیر، مشمول عنوان قاچاق کالای انحصاری خواهد بود. در زمینه‌ی قاچاق سیگار خارجی، آرای متفاوتی از دو شعبه‌ی اول و دوم دیوان عالی کشور صادر گردیده که در نتیجه منجر به صدور رای وحدت رویه‌ی شماره ۵ ردیف ۲۲/۶۰ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور گردید. متن رای گفته‌شده به شرح زیر می‌باشد:

«به موجب ماده‌ی یک قانون اصلاح قانون انحصار دخانیات مصوب سال ۱۳۱۰، خرید و فروش و نگهداری اجناس دخانیه و از جمله سیگار، در انحصار دولت قرار گرفته و با توجه به ماده‌ی ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق ارتکاب اعمال مزبور از طرف اشخاص بدون دخالت و اجازه‌ی دولت در هر نقطه‌ی کشور اعم از این که مرتکب، واردکننده بوده یا خیر و محل کشف در داخل مملکت یا در نقاط مرزی باشد، قاچاق محسوب و مرتکب به صراحت ماده‌ی مذکور قابل مجازات است و به فرض وجود اشباه و نظائر سیگارهای خارجی در بازار، این امر رافع مسئولیت جزایی مرتکب نخواهد بود و بنابراین رای شماره‌ی ۲/۱۱۹۹ - ۱۳۵۹/۶/۲۲ شعبه‌ی دوم دیوان عالی کشور صحیح و مطابق با موازین قانونی، و موجه بوده و تایید می‌شود...»

چنانچه در مورد سیگارهای خارجی، اجازه‌ی دولت تحصیل شده و از مسیر قانونی وارد کشور شده باشد، هم‌چنین سیگارهای ساخت داخل که از ناحیه‌ی دولت (ادارات دخانیات) به نمایندگان و عاملین برای توزیع، عرضه یا

فروش، داده شده باشد، به لحاظ این که از تملک و انحصار دولت خارج شده‌اند، دیگر مشمول مقررات قاچاق نمی‌باشند. در خصوص مشمول مقررات قاچاق بر سیگارهای داخلی، اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه طی نظریه‌ی شماره‌ی ۴۹۱۰ مورخ ۷/ مورخ ۱۳۶۴/۹/۲۱ چنین اظهار کرده است: «سیگار ایرانی چنانچه از کانال مجاز دولتی برابر مقررات در اختیار فروشنده‌گان قرار نگرفته باشد، مصداق قاچاق محسوب است [می‌شود] و مشمول مقررات مجازات مرتکبین قاچاق می‌باشد.»

هم‌چنین در این زمینه رای وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۲۹ ردیف ۸۳/۶۳ مورخ ۱۳۶۴/۹/۲۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور، مقرر می‌دارد:

«نظر به این که سیگارهای تولید داخلی پس از عرضه و فروش از ناحیه‌ی دولت (ادارات دخانیات) به نمایندگان و عاملین برای توزیع، از تملک و انحصار مطلق دولت خارج می‌گردد، بنابراین خرید و فروش و حمل و نگهداری بعدی آن‌ها از مصداق قاچاق موضوع مواد ۱ و ۲۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق نمی‌باشد.

با توجه به آن چه بیان گردید، قاچاق کالاهای دخانی از نظر وارد کردن، خرید و فروش، نگهداری و حمل این کالاها اعم از این که مرتکب، وارد کننده باشد یا خیر و کالا در داخل کشور کشف شود یا در نقاط مرزی و یا این که داخلی باشد و یا وارداتی، در انحصار دولت است. دست‌زدن به کارهای گفته شده در مورد هر نوع از دخانیات، بدون دخالت و اجازه‌ی دولت، قاچاق تلقی می‌گردد.

[۱] این رساله توسط روح الله میر احمدیان و به راهنمایی دکتر غلامحسین الهام در مهر ماه ۱۳۸۸ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نگارش یافته است.

منابع در دفتر نشریه موجود است